



دانشجو



جامعه است

اگر خواب بماند نماز امت قضا می شود

در این شماره می خوانیم:

جریان اصیل دانشجویی، مؤذن یا مخرب؟

جرقه‌ای بر باروت دلتنگی سلطان



سخن سردبیر

حواسش نبود
بازی که تمام شد، تیلۀ کوچکش به آرامی سر خورد و
میان دویدن‌های دوستانش گم شد
با بغض نگاهم کرد
تا خود خانه چشمش دنبال همان تیله بود، انگار نه
انگار که در مهدکودک آن را گم کرده، نه در خیابان!
نگاهش کردم
چشمان نگران، بغض نیمه‌کاره، قلب منتظر و بی‌قرار...
چقدر بی‌تابی‌هایش آشناست
با این تفاوت که ما آدم‌بزرگ‌ها، تیلۀ آرامش را گم کرده
ایم، و همه‌مان درست با همین بغض، به دنبالش می
گردیم

اما، شباهت‌هایمان هم کم نیست
ما نیز جای اشتباهی را به دنبال گمشده‌مان می‌گردیم.
گاهی در میان حروف لغت عدالت جستجویش می
کنیم، و گاه میان جریان‌هایی که به اعتبار نام دانشجو،
امتحان‌شان را بی‌ضرر می‌دانیم.
گاه حتی حال و هوای ادبیات در آغوش‌مان می‌گیرد
و به دنبالش، دلتنگ‌نامه‌های شاعران را جستجو می
کنیم.
اما

نه خیابان مکان درستی برای یافتن تیلۀ گمشده، و نه این
دنیای کوچک، مکان مناسبی برای دستیابی به آرامش
است.

گاه برای شنیدن صدایش، باید چند قدمی با همان
اضطرار و نگاه بغض‌آلود ادامه بدهیم.
چشمان را ببندیم

نفس عمیقی به حرارت درون‌مان هدیه دهیم
و در سکوت، پذیرای نغمه‌ای کوتاه شویم که از
سویش به گوش می‌رسد و قلب بی‌قرارمان را صدا می
زند
نوایی که زمزمه می‌کند:
این عمار...



صفحه ۲

جریان اصیل دانشجویی، مودن یا مخرب؟!

صفحه ۴

لبیک به ندای این عمار
دانشجویان با بصیرت، پرچمدار تحول در جامعه

صفحه ۵

مالیات علیه بی‌عدالتی

صفحه ۶

جرقه‌ای بر باروت دلتنگی سلطان

صفحه ۷

شناسنامه مودن

محمد مهدی دستی
مدیریت بازرگانی

جریان اصیل دانشجویی، موذن یا مخرب؟!

دانشجویی و مجموعه‌های دانشجویی کارهای خوبی انجام داده اند در زمینه‌ی مسائل گوناگون؛ چه مسائل کشوری، چه مسائل بین‌المللی؛ فرض بفرمایید آنچه اینجا این برادرمان راجع به خصوصی‌سازی گفتند که بچه‌های دانشجو در زمینه‌ی خصوصی‌سازی وارد کار شدند که در همین مسأله‌ی نیشکر هفت‌تپه و ماشین‌سازی تبریز، دانشجویها رفتند و یک مشکلی را واقعاً حل کردند؛ یعنی نه پول دارند، نه قدرت قانونی دارند اما در عین حال حضورشان می‌تواند یک کار بزرگ را، یک مشکل بزرگ را حل کند. مثلاً از جمله‌ی موارد این است: در حمایت از کارگران؛ یا در مطالبات از دستگاه‌ها، که این مطالبات اثر هم داشته؛ یعنی اینکه مجموعه‌ی دانشجویی از قوه‌ی قضائیه یا قوه‌ی مقننه یا مجمع تشخیص یک چیزی را مطالبه بکند، تأثیرگذار است؛ این اثر داشته و این کاری بوده که شما کرده‌اید و بسیار خوب است. این مال همین یکی دو سال اخیر است که این تحرکات را انسان در مجموعه‌های دانشجویی مشاهده می‌کند. رهبر انقلاب ۱ / ۳ / ۱۳۹۸

در طول دهه‌های پس از انقلاب اسلامی از این دست اتفاقات و حل مشکلات کم نبوده است از هپکو، هفت تپه و ماشین‌سازی تبریز گرفته که در سال‌های اخیر مشکلاتشان توسط همین تشکل‌های دانشجویی حل شده تا مسأله کارتن خوابی، گفتمان‌سازی در زمینه علم و فناوری و پیگیری تخصصی مسائل انتخابات که در دهه‌های پیش صورت گرفت.



دانشجویان انقلابی تهران، شریف و بهشتی اعلام کردند که سه روز دوشادوش کارگران نیشکر هفت تپه برای شنیده شدن صدای آن‌ها در اهواز حضور پیدا خواهند کرد.

خبر در رسانه‌ها پخش شد، بعد از بسیج دانشگاه چمران اهواز حالا نوبت به دانشگاه‌های تهران رسیده بود که صدای کارگران را به گوش مسئولین برسانند، مسئول وقت بسیج دانشگاه شهید بهشتی با حضور در جمع کارگران اعلام نمود تا حد توانمان در کنار شما خواهیم ماند و مطالباتتان را پیگیری خواهیم کرد، او مشکل اساسی کارخانه را نه فقط معوقات و حقوق کارگران بلکه اداره آن و مسئولان فاسد شرکت خواند.

همچنین معاون سیاسی وقت بسیج دانشگاه تهران خواستار توقف روال خصوصی‌سازی شرکت و واگذاری این شرکت به طور دقیق و حسابرسی شد و اعلام نمود که پیگیر حضور قوه قضائیه هستیم

چندی بعد آقا رئیسی ریاست وقت قوه قضائیه دستور پیگیری این پرونده و صدور منع تعقیب ۴۱ کارگر بازداشتی را صادر نمود و مجلس و دولت نیز پای کار آمدند، حالا تمام دوربین‌ها و نگاه‌ها به سوی هفت تپه آمده بود، تلاش دوشادوش کارگران هفت تپه و جنبش دانشجویی برای حل بحران هفت تپه در نهایت منجر به دادگاه کشیده شدن اسدبیگی، رئیس کارخانه شد و با تلاش فراوان دانشجویان در شفاف‌سازی مدیریت ناکارآمد اسدبیگی و فساد مالی وی از طریق رسانه‌ها و دیگر ابزار بیان دانشجویی، بعد از چند جلسه برگزاری دادگاه نهایتاً رای برای خلعید او و واگذاری این کارخانه به دولت داده شد.

چندی بعد این موضوع مورد تأیید و تأکید رهبر انقلاب نیز قرار گرفت و مهره تأییدی بر این اقدام دانشجویی بود: در این یکی دو سال گذشته -طبق گزارش‌هایی که به من می‌رسد- تشکل‌های

ادامه در صفحه بعد...

جریان اصیل دانشجویی، مؤذن یا مخرب؟!

مؤذن جامعه رسالت خود را درک کرده و در پی تصمیم‌سازی و گفت‌وگو سازی است و همچون نورافکن مسائل پر اهمیت اما توجه نشده را روشن می‌کند، او خود را نسبت به مسائل کشور مسئول می‌داند نه مثل نائشکل و نادانشجویانی که تا به حال نه تنها سنگی از جلوی راه کشور برنداشتند بلکه در مواقع بحران نیز شاهد هزینة تراشی این عده محدود بوده ایم، چه زیبا گفت شهید بهشتی که: دانشجو باید به صورت یک عضو بدرد خور جامعه خودش را بسازد و نه به صورت یک گروه درس خوانده تی تیش مامانی خود خواه از خود راضی که توقعات خیلی زیاد خود را به جامعه تحمیل کند.

حال سؤال پیش می‌آید که کدام جریان اصیل است؟

آن جریانی که فحش‌های رکیک و نشان‌های جنسی را حواله مخالفینش می‌دهد؟

آن جریانی که حرف مخالفش را هوو می‌کند؟

آن جریانی که دستاورد مبارزه‌ای خود را شعارنویسی روی دیوار کلاس با افتخار بیان می‌کند؟

آن جریانی که از قاتل دو انسان بی‌گناه حمایت می‌کند؟

آن جریانی که اتفاق تلخ در خوابگاه را بهره‌برداری سیاسی و مصادره به مطلوب می‌کند؟

آن جریانی که عنوانش اسلامی است اما تماماً ضد اسلام عمل می‌کند؟

آن جریانی که آجر و خودکار وسیله حربش در دانشگاه؟

آن جریانی که چادر از سر دختران در صحن دانشگاه می‌کشد؟

آن جریانی که در مشکلات سیل، زلزله، فعالیت در مناطق محروم و غیر ذالک از پشت تلوزیون شاهد ماجراست؟

جریانی که غیر تحقیر، توهین، غر زدن کار دیگری بلد نیست می‌تواند جریان اصیل دانشجویی باشد؟



لبیک به ندای این عمار دانشجویان با بصیرت، پرچمدار تحول در جامعه

دانشجو نماد روشن بینی، خودباوری، غیرت ملی ایرانی و آغازگر انقلاب اسلامی در یاری حضرت امام خمینی (ره) است. اوست که نقش تعیین کننده‌ای در پویایی و استکبار ستیزی داشته و طلایه دار عدالت طلبی و پیشرفت کشور است. این قشر پیش رو و فرهیخته جامعه همیشه مورد توجه اقشار مختلف مردم بوده و به تعبیر رهبر معظم انقلاب «دانشجو و دانشگاهی قشر برگزیده ی جامعه اند»

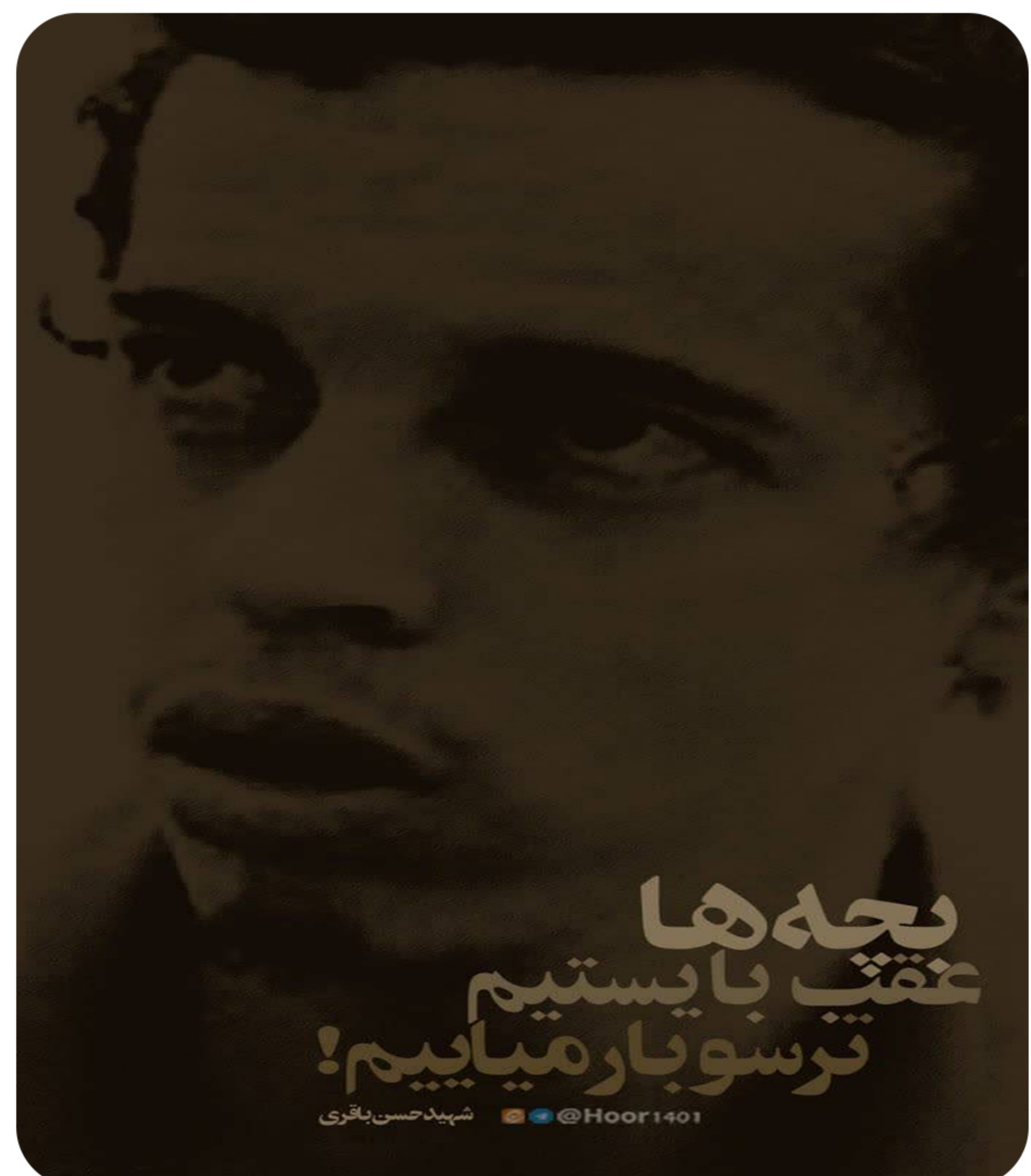
از این رو باید نسبت به سایر اقشار ذهن دغدغه مندتری داشته باشد و دارای احساس مسئولیت مضاعفی نسبت به مسائل کشور باشد.

امروز که نیاز اصلی ایران عزیزمان در حوزه اقتصاد و فرهنگ است، دانشجو رسالتی بس بزرگ و تاریخی بر دوش خود دارد. چرا که به عنوان قشر نخبه و تحصیل کرده، می‌تواند در قالب آتش به اختیار نقشی تاریخی ایفا نماید و ضمن ارایه قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود در حل مسائل کشور، به ساختار مدیریتی کشور، همچون گذشته، نشان دهد که برای کشور این سرمایه عظیم اجتماعی است. سرمایه‌ای که سرعت حل مسائل را دوچندان می‌کند و برای حل مسائل کشورمان دست به تنظیم یک رابطه منطقی با ساختارهای مدیریتی کشور می‌زند. علاوه بر این، در این روابط دوسویه به وظایف دانشجویی خود، یعنی مطالبه گری و ارائه طریق به خوبی عمل کند.

مطالبه‌گری که با ادبیات منطقی، هوشمندانه و بدون از دعوا و تند و تیزی باشد. به عبارتی مطالبه‌گری و پرسشگری و نقد دانشجو از مدیران و صاحب منصبان، در مسیری سازنده و منطقی و به دور از غرض‌ورزی، اثرگذار و راهگشاست.

اما برای تحقق این امر، داشتن بصیرت و آگاهی و گرفتار نشدن در فضای غبارآلودی است که دشمن به دنبال تحمیل آن به این جامعه آینده ساز است، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

امروز دانشجویان با بصیرت خود، می‌توانند پرچمدار تحول در کشور باشند؛ بصیرت دانشجویی داشتن یعنی دانشجو جایگاه خودش، کشورش و ملتش را بداند، با بصیرت خود به جنگ فتنه‌ها برود و اینگونه است که همه تیغهای دشمن کند می‌شود...



مالیات علیه بی عدالتی

مالیات یکی از منابع درآمدی بودجه عمومی کشور لحاظ می‌شود که نقش بسیار مهمی در شاخصه‌های کلان اقتصادی ایفا می‌کند. مالیات نقش تنظیم‌گری را در اقتصاد کشورها ایفا می‌کند و منجر به کاهش فاصله طبقاتی می‌شود و مسبب ایجاد عدالت در کشور است. همچنین مالیات جزء منابع درآمدی ((پایدار)) کشور محسوب می‌شود و همچنین در کشورهای توسعه یافته سهم مالیات در بودجه به حدود 60 تا 70 درصد می‌رسد و و تصاعدی شدن این سهم طبیعی است که باعث بهبودی اقتصاد کشور مدنظر می‌شود. در کشور ما مالیات سهمی حدود 30 درصدی را ایفا می‌کند که فاصله زیادی با آنچه در سایر کشورها مشاهده می‌شود دارد.

حال باید دید مشکل این مالیات ستانی کم چیست؟ و چگونه می‌توان ساز و کار مالیات را اصلاح کرد؟

1) یکی از ایرادات کشور ما وجود فشار مالیاتی زیاد بر روی تولید است و به زبان کارشناسی نسبت مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی بیش از حد متعارف است که این نسبت در کشورهای توسعه یافته عکس این و مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی غلبه دارد.

2) در کشور ما سفته بازی در بازارهایی از جمله ارز، خودرو، طلا..... حضور چشمگیری دارد که سبب کاهش تولید و انگیزه‌ای برای سفته بازی است. حال راه حل چیست؟ دریافت مالیات بر عایدی سرمایه، این مالیات که به مالیات ثروتمندان نیز شناخته می‌شود، نوعی از مالیات محسوب می‌شود که بر سود ناشی از انتقال اموال غیر مولد اعمال می‌شود. در واقع در این نوع مالیات، افراد از سود ناشی از فروش سرمایه و مایملک خود مالیات پرداخت می‌کنند

3) یکی از معضلات دیگر مالیات ستانی که با آن مواجه هستیم معافیت‌های مالیاتی است که عموماً به قشر در قشر مرفه و ثروتمند دیده می‌شود، نکته‌ای که نه تنها بر فاصله طبقاتی می‌افزاید بلکه طبقه برژوا می‌سازد که غایب به صراطی نیستند و خود را تافته جدا بافته از عوام می‌دانند در حالیکه با بررسی کشورهای داعیه دار در زمینه اقتصاد این اتفاق بالعکس دیده می‌شود.

4) یکی از پایه‌های مالیاتی خوبی که می‌توان در نظر گرفت مالیات بر سود سپرده‌های بانکی است که موافقان و مخالفان زیادی دارد ولی شرط لازم‌اش وجود مالیات بر عایدی سرمایه است که پیش‌تر گفتیم چرا که اگر سرمایه‌گذار متوجه لزوم پرداخت این گونه مالیاتی شود پول و سرمایه خود را خارج کرده و در بازارهای دیگر سرمایه‌گذاری می‌کند.



الهه میرطالبی
مدیریت دولتی

جرقه‌ای بر باروت دلتنگی سلطان

درست نمی‌دانم، 16، 17، شاید هم 18 ساله بودم که به دعوت بلعمی، وزیر پرآوازه دارالخلافه، به عنوان شاعر به دربار دعوت شدم تا در وصف امیر سامانی، فخر دوران، مدح بگویم و اموراتم را بگذرانم. در آن زمان که هم رده هایش به فکر عیش و نوش و ملعبه بودند، من تمام اوقاتم را در دربار به سرودن شعر می‌گذراندم و درباریان برایم از مرغ تا جان آدمیزاد، هرچه می‌خواستم فراهم می‌کردند؛ تا جایی که مرا سلطان الشعرا می‌خواندند و من، روستازاده‌ی تازه به دوران رسیده، به خود می‌بالیدم و مملو از شعف می‌شدم. در یکی از روزها که چشم‌هایم را گشودم، مستحضر شدم که امیر سامانی، قصد شکار کرده و من بی‌نوا را هم خواسته که همراهش شوم. آخر شاعر را چه به شکار؟! از روی ناچاری بار سفر بستم و راهی شدم؛ در میانه راه به منطقه خوش آب و علفی رسیدیم که چارپایان در آن می‌چریدند و پرندگان چهچه می‌زدند؛ ما هم ساعتی را به تماشا نشستیم و به صدای بلبلان و قمریان که با نوای آب همراه شده بود، گوش سپردیم... که ناگهان امیر دستور اتراق داد. چادرها برپا شد و کباب بلدرچین به سیخ زده شد...

چند روزی بدین منوال گذشت و هرروز که فکر می‌کردیم دیگر وقت رفتن است، سلطان جایش را بیشتر خشک می‌کرد! همین گذر روزها و انتظارها برای برگشت، در چشم به هم زدنی بگذشت و تا بر خود آمدیم 4 سال شد که به پای سلطان زمین گیر شده بودیم!

وزیران و امیران درباری که دیگر جرئت اصرار به سلطان و اکراه از جانب او را نداشتند، من تازه به دربار رسیده را واسطه قرار دادند تا من هم از لذت رو سیاه شدن نزدش سلطان بی‌نصیب نمانم! اما نه! شاعر بارگاه سلطانی باید کلامش با بقیه توفیق داشته باشد؛ نشستم و قلم به دست گرفتم. زمان از دستم در رفته بود. خواب و خوراک را بر خود حرام کردم تا بتوانم به بخارا، به آن دیار زیبا بازگردم. پس از چند شبانه روز، خاتمه کارم را نزد سلطان بردم؛ آنجا بود که سرودم:

بوی جوی مولیان آید همی	یاد یار مهربان آید همی
ریگ آموی و درشتی راه او	زیر پایم پرنیان آید همی
آب جیحون از نشاط روی دوست	خنک ما را تا میان آید همی
ای بخارا! شاد باش و دیرزی	میرزی تو شادمان آید همی

امیر لفظ بخارا را که شنید، مثل تیر از کان جهید و سرگشته از فراق یار، بدون کفش و تشریفات ملوکانه، خود را به روی اسب انداخت و دستور بازگشت بداد.

اطرافیان شاد و سرمست، دستور را به گوش جان سپرده و در کسری از ثانیه راهی بخارا شدند...

تو رودکی را ای ماه رو، کنون بینی

در آن زمانه ندیدی که اون چونینات بود



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده مدیریت و حسابداری
دانشگاه علامه طباطبائی
مدیر مسئول: محمد مهدی دستی
سردبیر: رضوانه شامانی
صفحه آرا: مهزیار شیرمردی
ویراستاران: محمد مهدی دستی، رضوانه شامانی
طراح جلد: فاطمه نعیمی
هیئت تحریریه: ریحانه سادات هاشمی، الهه میر طالبی،
محمد مهدی دستی، محمد امین موسیوند

موضوع

شعبه سید بن هشمتی:
دانشجو مؤذن جامعه است
اگر خواب بماند نماز امت قضا میشود